



نوشته از: بصیر دهنزاد

مسئولیت اخلاقی رسانه‌ی در دفاع مشترک از روشنگری، حقوق و آزادیهای مدنی جامعه کنونی ما

قسمت دوم

ادامه قسمت اول

نباید یک اصل عمده را در این موضوع با اهمیت نا دیده گرفت که هر قومی بخشی انکار باپذیر از یک ملت واحد اند که در سرزمین مشترک زنده گی میکنند و باید به موجودیت اقوام و روان اجتماعی آنان احترام گذاشت و به حق داشتن هویت قومی در وجود یک هویت ملی اعتراف نمود و آنرا جز افتخارات ملی دانست. یکی از مباحث مورد جرو بحث های بعضاً به ابتدال کشانیده شده موضوع مهاجرت های اجباری و انتقال از یک محله به محلات دیگر کشور در دوران های گذشته میباشد. در این مورد حقوق بشر حکم مینماید هر شخصی که در یک محل یا خطه تولد یافته، پدر و پدرکلانش باشند همان محل باشند، پرورده همان محل و باشنده اصلی آن بوده غیر قبل انتقال تلقی میگردند. زیرا این فرد جسماً و رواناً با خصوصیات جغرافیائی، عرف و سنن و خلاصه با روان اجتماعی همان محل گره خورده است.

زبان

از لحاظ علمی زبان یک پدیده اجتماعی است که در مغز انسان تولید میشود ولی در اجتماع رشد و تکامل میابد. زبان ها تغییرناپذیر و در طول تاریخ تحول میابند.

هر گروه اتنیکی در یک خطه معین دارای زبان اند که با آن نه تنها داد و ستد و تأمین روابط اجتماعی میکنند بلکه با زبان معین تبادل احساس میکنند و همچنان احساس یکدیگر را به ساده گی درک میکنند. زبان هم یک پدیده تاریخی است. هیچ زبانی را بدون قدامت تاریخی که به هزاران سال میرسد، نمیتوان جستجو نمود. زبان جز هویت قومی و اتنیکی است که نظربه محلات یک خطه با لهجه و دیالکت های متفاوت شکل گرفته است. احترام به داشتن و حفظ زبان که فرد در آن پرورش یافته است، انکشاف زبان و سچه نگهداشتن زبان یک حق طبعی و حق بشری است.

تعلیم و تربیت اجتماع مبنی بر رعایت و احترام به این حق بشری حکم مینماید که هر گروه اتنیکی که دارای یک زبان معین اند، حق انکشاف و سچه ساختن زبان خویش را دارند. ولی باید تذکر داد که تغیر در واژه های

زبانی و انتخاب نام و تعریف یک زبان نباید موضوع جربحث های مبنی بر اهداف سیاسی بوده ، بل در نتیجه تحقیقات و کاوش های دانشمندان بخش ادبیات و فرهنگ ، سیمینار ها و کنفرانس های علمی - ادبی در سطح مجامع علمی و اکادمیک صورت گیرد. تجارب مربوط به بحث کشانیدن روی کاربرد واژه ها و یا انتخاب نام و تعریف زبانها روی اهداف سیاسی نامشروع و بعضاً در تقابل با مفاهیم ملت واحد ، منافع ملی و ارزش های ملی میتوانند قرار گیرند.

هویت

هویت یکی از مفاهیم کلیدی در روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و علوم انسانی است که به معنای درک فرد از خود و ویژگی‌های شخصی، اجتماعی، فرهنگی، و ارزشی او می‌باشد. به زبان ساده‌تر، هویت پاسخ به این پرسش است که "من کیستم؟". این مفهوم شامل مسائلی چون باورها، ارزش‌ها، اهداف، نقش‌های اجتماعی، تعلقات فرهنگی، و ویژگی‌های فردی می‌شود.

هویت بخشی از رشد روانی-اجتماعی افراد می‌باشد و شامل هویت فردی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. هویت فرهنگی اجتماعی و فرهنگی شامل درک فرد از عضویت در گروه‌های اجتماعی مانند قومیت، مذهب، ملیت و جنسیت همچنان شامل ارزش‌ها، زبان، سنت‌ها و باورها می‌باشد.

«هویت، مفهومی چندبعدی و پویا است که در طول زندگی و در تعامل با محیط، جامعه، و تجربه‌های فردی شکل می‌گیرد. این مفهوم نه تنها در روان‌شناسی، بلکه در جامعه‌شناسی، فلسفه و علوم تربیتی نیز جایگاه مهمی دارد. درک و تقویت هویت سالم، یکی از پیش‌نیازهای رشد روانی و اجتماعی مطلوب، و اساس توانایی تصمیم‌گیری، ارتباط مؤثر و رضایت از زندگی فردی و اجتماعی است»

من از نتیجه گیری‌های مباحثات و مناظرات روی مسایل مبنی بر هویت قومی، زبانی و مذهبی در وسایل رسانه‌ای و اینترنتی به چند نکته نظر‌های رسیده‌ام که خود را بدان متکی و معتقد میدانم:

- در جامعه افغانی با کثرت اقوام موضوع اقلیت و اکثریت نمیتواند بشکلی مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد که اصل حقوق، عدالت و آزادی‌های بشری را برای اقوام دیگر ساکن در کشور مورد تحدید و تهدید قرار داده اصل ایده ملت واحد، هویت ملی و منافع ملی و معیارهای وطنپرستی را زیر سوال قرار داد.

- جامعه افغانی ما جامعه کثیر القومی است. هر قومی در یک روند تاریخی و در یک خطه تاریخی شکل گرفته و رشد تکامل نموده است. هر فردی جامعه افغانی ما حق دارد به داشته‌ها و ارزش‌های قوم که در آن تولد و پرورش یافته است، افتخار نماید و به عین حق دیگران نیز احترام گذارد.

- هر قومی در افغانستان ریشه و منشه تاریخی دارد. هر فرد کشور باید قوم‌های کشور را از ریشه تاریخی، آن در خطه که در آن انکشاف نموده، ارزیابی نماید.

- زبان‌های مختلفه افغانستان در یک روند طولانی تاریخ رشد و تکامل یافته‌اند. مردمان هر زبان حق دارند زبان خویش را انکشاف دهند و در سچه‌سازی آن همت گمارند و این حق را برای تمام زبان‌های دیگر نیز قایل و بدان احترام گذارند.

- تغییر و تعویض واژه‌ها در یک زبان و یا تغیر نام و صفت یک زبان صرفاً از طریق سیمینارها و کنفرانس‌های علمی- ادبی در مجامع علمی و اکادمیک و توسط دانشمندان رشته صورت گیرد.

- انتخاب واژه های اصلی در یک زبان در اسناد رسمی مورد استفاده قرار دارند ، باید مجاز و عاری از اجبار و حساسیت ها باشد.
- هر قومی از اقوام کشور حق دارد به سنن و عنعنات پسندیده خویش افتخار نماید ولی رعایت آنرا بر اقوام دیگر از دید اجبار نبیند.
- هویت مبنی بر قوم، زبان ، مذهب و فرهنگ و رسوم و عنعنات پسندیده شان باید بحیث داشته های پر افتخار ملی و هویت ملی کشور تلقی و بدان احترام و افتخار گردد.
- بحث طالب را نباید تنها از سمپتی و انتی پاتی های قومی و زبانی به ارزیابی گرفت بلکه اصل موضوع در سلب حقوق و آزادی های ابتدائی انسانی نهفته است که طالبانیزم و اندیشه عقب گرایانه خویش را بر مردم هر قوم کشور با زور و ارباب و خشونت تحمیل میکند. پس اندیشه طالبانیزم اندیشه منبعث از شریعت است که در زمان کنونی بین دشمنی بر تمدن و فرهنگ یک جامعه انسانی بنام افغانستان است. طالبان بی هیچ ارزش های قانونی و عدالت مبتنی بر حقوق اساسی بشری پایند نیستند.

پایان